



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه
معاونت آموزش
اداره امتحانات کتبی

بسمه تعالی
امتحانات تجدیدی - شهریور ۱۳۸۹

پایه :	۴	موضوع :	فقه ۲
تاریخ :	۸۹/۶/۲۷	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الاحرام تا کتاب المتاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. فی الوطی قبل المشعر بدنة. د ۱/۵۶۸ (ع: ۲: ۲)
- ☐ ا. عامداً ولو لم يكن عالماً بالتحريم
☐ ب. عالماً بالتحريم ولو لم يكن عامداً
☐ ج. عامداً أو عالماً
☒ د. عامداً وعالماً
۲. كفارة اليمين ج ۲/۴۳ (ع: ۱: ۱)
- ☐ ا. مرتبة فقط
☐ ب. مخيرة فقط
☒ ج. مخيرة ومرتبة
☐ د. كفارة الجمع
۳. کدام گزینه با یک شاهد به همراه یمین ثابت نمی شود؟ ج ۲/۹۷
- ☐ ا. عقود المعاوضات
☐ ب. كسر العظام
☒ ج. عيوب الرجال
☐ د. الجنایة الموجبة للدية
۴. محل الشهادة على الشهادة، حقوق الناس د ۲/۱۲۷ (ع: ۲: ۲)
- ☐ ا. إذا كان مالاً لا عقوبة ولا حقاً غير مالى
☐ ب. إذا كان مالاً لا عقوبة أو حقاً غير مالى
☐ ج. إذا كان عقوبة أو مالاً لا حقاً غير مالى
☒ د. سواء كانت عقوبة أو حقاً غير مالى أو مالاً

تشریحی:

- * (من ننف ريشة من حمام الحرم فعليه صدقة بتلك اليد الجانية) وليس في العبارة [أى عبارة الشهيد الأول] أنه نتفها باليد حتى يشير إليها بل هي أعم ... والرواية وردت بأنه يتصدق باليد الجانية وهي سالمة من الإيراد. ۱/۵۶۷ (ع: ۲: ۲)
۱. ایراد شهید ثانی به عبارت شهید اول چیست ؟ ب. چرا این ایراد بر روایت وارد نیست ؟
 ا. تعبیر به «من ننف ریشه» اعم است از اینکه کندن پر به دست باشد یا به غیر آن بنا بر این در «تلك اليد الجانية» به مشکل برمی خوریم چون در سابق بحث از کندن به دست نبوده تا «تلك» اشاره به آن باشد.
 ب. در روایت، اسم اشاره نیامده تا در مشار الیه به مشکل برخورد کنیم.
 - * وأقله مرة في كل عام لقوله تعالى: «فإذا انسلخ الأشهر الحرم فاقتلوا المشركين» أوجب بعد انسلخها الجهاد وجعله شرطاً. ۲/۱۰ (ع: ۲: ۲)
 ۲. چگونه می توان به وسیله آیه مذکور استدلال کرد هر سال جهاد واجب است ؟ ب. چرا تکرار جهاد در یک سال واجب نیست ؟
 ا. إن الله تعالى قيّد الوجوب بانسلخ الأشهر الحرم (وجعل انسلخ الأشهر الحرم شرطاً لوجوب الجهاد) فيجب الجهاد كلما وقع الشرط.
 ب. ولا يتكرر بذلك بقية العام لعدم إفادة مطلق الأمر التكرار.
 ۳. صفات مفتی را بنویسید. ب. و مورد از موارد اقامه حدّ توسط غیر مفتی را نام ببرید. (ع: ۱: ۲) ۲/۳۸ و ۳۷
 - ا. هو الإيمان والعدالة ومعرفة الأحكام بالدليل والقدرة على ردّ الفروع إلى الأصول.
 ب. ويجوز للزوج إقامة الحدّ على زوجته والوالد على ولده والسيد على عبده.

۴. قاضی تحکیم را تعریف کنید. چرا در زمان غیبت، قاضی تحکیم متصور نیست؟ ۲/۷۶

قاضی التحکیم وهو الذی تراضی به الخصمان لیحکم بینهما مع وجود قاض منصوب من قبل الإمام علیه السلام. إن قاضی التحکیم لا يتصور فی حال الغیبة لأنه إن کان مجتهداً نفذ حکمه بغير تحکیم وإلاّ لم ینفذ حکمه مطلقاً اجماعاً.

۵. ملاک‌های تشخیص مدّعی از منکر را بنویسید. ۲/۸۲

المدّعی هو الذی: ۱. یترک لو ترک الخصومة وهو المعبر عنه بأنّه الذی یخلّی وسکوته. ۲. یخالف قوله الأصل أو الظاهر.

* القسمة وهی تمييز أحد النصیبين عن الآخر وليست بیعاً وإن کان فیها ردّ ... ۲/۱۰۵ (ع: ۱ د: ۱)

۶. چرا قسمت، بیع نیست؟

لأنّها لا تفتقر إلى صیغة ویدخلها الاجبار ویلزمها ویقتدر أحد النصیبين بقدر الآخر والبیع لیس فیهِ شیء من ذلك.

۷. وقف را تعریف کرده، شرایط آن را بنویسید. ۲/۱۳۷ (ع: ۱ د: ۱)

وهو تحبیس الأصل واطلاق المنفعة. [وفی الدروس عرفه بأنّه الصدقة الجارية]

وشرطه: التنجیز والدوام والإقباض وإخراجه عن نفسه.

* (متی احصر) الحاجّ (بالمريض عن الموقفين) معاً أو عن أحدهما مع فوات الآخر أو عن المشعر مع إدراك اضطراری عرفة خاصّة (أو مكة بعث ما ساقه أو

هدیاً أو ثمنه). ۱/۵۷۹

۸. با توجه به متن، موارد تحقق حصر را بنویسید.

۱. مرضی که مانع از وقوف عرفات و مشعر با هم شود. ۲. مرضی که مانع از یکی از دو وقوف شود و وقوف دیگر نیز فوت کرد. ۳. مرضی که مانع از وقوف در مشعر شود و فقط عرفة به طور اضطراری درک شود. ۴. کسی که احرام به عمره بسته، مرضی که مانع از دخول محرم در مکه جهت عمره شود.

* ذهب جماعة إلى عدم اشتراط اللفظ فی النذر لقوله (ص) «إنّما الأعمال بالنیات» و «إنّما» للحصر والباء سببیّة فدلّ علی حصر السببیّة فیها، واللفظ إنّما

اعتبر فی العقود لیكون دالّاً علی الاعلام بما فی الضمیر والعقد هنا مع الله العالم بالسرائر. ۲/۶۲ (ع: ۲ د: ۳)

۹. أ. با توجه به متن، چرا در نذر لفظ شرط نیست؟ ب. عبارت «واللفظ إنّما اعتبر...» را توضیح دهید.

أ. با توجه به اینکه «إنّما» برای حصر و باء در «بالنیات» برای سببیت است، معنای جمله چنین می‌شود: اعمال نیست مگر بسبب نیّتها، یعنی محقّق و مصحّح اعمال، فقط نیّتهاست.

ب. در عقود - که از اسبابند - لفظ لازم است، تا بر اعلام و آگاه کردن هرکدام از متعاقدين بر مقصود باطنی خود دلالت کند؛ اما در نذر، طرف عقد، چون خداست و او از باطن اشخاص خبر دارد، وجهی برای اعتبار لفظ و کاشف نخواهد بود.